



Identifying Challenges and Solutions for Realizing Public Sector Innovation in Iran within the Framework of the Seventh Development Plan

Heidar Najafi Rastaghi 

PhD Student in Public Administration,
Faculty of Public Administration and
Organizational Sciences, School of
Management, University of Tehran, Tehran,
Iran

**Mohammad Mahdi
Zolfagharzadeh**  *

Associate Professor, Department of Public
policy and administration, Faculty of Public
Administration and Organizational Sciences,
College of Management, University of
Tehran, Tehran, Iran

Ali Asghar Pourezzat 

Professor, Department of Public policy and
administration, Faculty of Public
Administration and Organizational Sciences,
College of Management, University of
Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Public sector innovation serves as a driver of transformation, improving the performance of public administration and governance, and playing a decisive role in addressing complex societal needs and

* Corresponding Author: zolfaghar@ut.ac.ir

How to Cite: Najafi Rastaghi, H. , zolfagharzadeh, M. M. and Pourezzat, A. (2024). Identifying Challenges and Solutions for Realizing Public Sector Innovation in Iran within the Framework of the Seventh Development Plan. *Studies in Public Service Administration*, 2(6), 63 - 94. doi: [10.22054/spsa.2025.89101.1077](#)

Accepted: 04/11/2025

Review: 01/11/2025

Received: 15/10/2025

enhancing the quality of public services. This research aims to identify the challenges and solutions for realizing public sector innovation in Iran within the framework of the Seventh Development Plan, based on the fourfold OECD model. Accordingly, using thematic analysis, the most significant challenges and solutions for achieving public sector innovation have been identified across four types: mission-oriented innovation, capability-driven innovation, adaptive innovation, and anticipatory innovation were extracted from the thematic analysis of the Seventh Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran and the opinions of 15 experts in this field.. The research findings indicate that the Seventh Development Plan, through its comprehensive innovation framework, has significant potential to transform public governance. However, realizing this potential depends on the coordinated and systematic implementation of all components of this framework. In this regard, the most critical policy recommendations include regulatory measures and coordination among innovation-related institutions; establishing a national data governance system in the field of innovation; developing a public-private partnership governance framework with transparent mechanisms and equitable benefit-sharing in innovation; implementing an impact assessment system for innovation policies; and creating a local innovation governance network with a regional approach.

Keywords: Innovation, Public Sector Innovation, Mission-Oriented Innovation, Capability Innovation, Adaptive Innovation, Anticipatory Innovation, Seventh Development Plan.



شناسایی چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در ایران در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دولتی و علوم
سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حیدر نجفی رستاقی 

دانشیار، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی
و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد مهدی ذوالفقار زاده* 

استاد، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی
و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی اصغر پور عزت 

چکیده

نوآوری بخش عمومی به عنوان پیشران تحول و بهبود عملکرد مدیریت دولتی و حکمرانی، نقش تعیین کننده‌ای در پاسخگویی به نیازهای پیچیده جامعه و ارتقای کیفیت خدمات دولتی ایفا می‌کند. این پژوهش باهدف شناسایی چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در ایران در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت و با اتکا به چارچوب نوآوری بخش عمومی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی انجام شده است. بر همین اساس مبتنی بر روش تحلیل مضمون، مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در چهار نوع نوآوری مأموریت‌گرا، نوآوری قابلیت‌محور، نوآوری انطباقی و نوآوری پیش‌نگر مبتنی بر قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران و نظرات ۱۵ نفر از خبرگان در این زمینه احصا گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برنامه هفتم پیشرفت با در نظرگیری چارچوب جامع نوآوری، از ظرفیت بالقوه‌ای برای تحول در حکمرانی عمومی برخوردار است که محقق شدن آن منوط به اجرای هماهنگ و نظام‌مند تمامی اجزای این چارچوب می‌باشد. در این راستا، مهم‌ترین پیشنهادات سیاستی شامل تنظیم گری و ایجاد هماهنگی بین نهادهای متولی نوآوری؛ استقرار نظام حکمرانی داده‌های ملی حوزه نوآوری بخش عمومی؛ توسعه اکوسیستم نوآوری و تدوین چارچوب حکمرانی همکاری عمومی-خصوصی؛ استقرار نظام ارزیابی اثرات خط‌مشی‌های نوآوری بخش عمومی و ایجاد شبکه حکمرانی محلی نوآوری با رویکرد منطقه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، نوآوری بخش عمومی، نوآوری مأموریت‌گرا، نوآوری قابلیت‌محور، نوآوری انطباقی، نوآوری پیش‌نگر، قانون برنامه هفتم پیشرفت.

مقدمه

نوآوری در بخش عمومی به عنوان موتور محرکه تحولات اساسی در اداره امور عمومی و حکومت داری شناخته می شود. در دنیای امروز که با چالش های پیچیده ای در حوزه های حکمرانی، اجتماعی و فناورانه روبرو هستیم، دولت ها بدون اتخاذ رویکردهای نوآورانه قادر به پاسخگویی مؤثر به نیازهای شهروندان نخواهند بود. نوآوری عمومی باعث می شود خدمات دولتی کارآمدتر، شفاف تر و پاسخگوتر شوند و در نتیجه اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی افزایش یابد (OECD, 2019). تأثیر نوآوری بر حکومت ها را می توان در چند حوزه مشاهده کرد. نخست، نوآوری باعث تغییر در الگوهای سنتی حکمرانی و حرکت به سمت مدل های مشارکتی می شود که در آن شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی در فرایند تصمیم گیری نقش فعال تری ایفا می کنند (Sørensen & Torfing, 2020). همچنین، فناوری هایی مانند هوش مصنوعی امکان ارائه خدمات شخصی سازی شده و شفاف را فراهم می آورند. نوآوری در خط مشی گذاری عمومی به دولت ها کمک می کند تا با استفاده از روش های آزمایشی و چابک، راهکارهای مؤثرتری برای مسائل اجتماعی بیابند (Ansell et al., 2021).

در سطح عملیاتی، نوآوری بخش عمومی تأثیرات ملموسی بر عملکرد سازمان های دولتی دارد. تحقیقات نشان می دهد سازمان های عمومی نوآور، هزینه های عملیاتی کمتری داشته و رضایت شهروندان از خدمات آن ها به مراتب بالاتر است (De Vries et al., 2018). به عنوان مثال، استقرار سیستم های یکپارچه الکترونیکی در ادارات دولتی نه تنها زمان انجام امور را کاهش داده، بلکه امکان فساد اداری را نیز محدود کرده است. همچنین، نوآوری در فرایندهای استخدام و ارزیابی کارکنان دولتی می تواند به جذب و حفظ استعداد های برتر در بخش عمومی کمک کند. با این حال، نوآوری در بخش عمومی با چالش های منحصربه فردی روبرو است. مقاومت بوروکراتیک در برابر تغییر، کمبود منابع مالی و نبود چارچوب های حقوقی مناسب از جمله موانع اصلی هستند (Mergel, 2022). برای غلبه بر این چالش ها، دولت ها نیازمند ایجاد اکوسیستم های نوآوری هستند که در آن دانشگاه ها، بخش خصوصی و گروه های اجتماعی بتوانند با نهادهای دولتی همکاری

کنند. تجربیات موفق کشورها در حکمرانی مشارکتی نشان می‌دهد که نوآوری عمومی زمانی پایدار خواهد بود که به‌عنوان بخشی از فرهنگ عمومی و سازمانی نهادینه شود. بررسی تجربیات بین‌المللی در حوزه نوآوری بخش عمومی نشان می‌دهد که استقرار چنین سازوکارهایی برای ارتقای کارآمدی دولت و نظام حکمرانی در برابر چالش‌های نوین ضرورتی انکارناپذیر است. با درک این ضرورت، این پژوهش با تمرکز بر قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، به تحلیل جایگاه نوآوری بخش عمومی در این قانون پرداخته و از طریق بررسی چالش‌ها و راهکارها، مختصات تحقق نوآوری در بخش عمومی در کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

به‌عنوان مصادیق نوآوری عمومی در برنامه هفتم پیشرفت، می‌توان به ایجاد معاونت یا مرکز یا سازمان «نوآوری، هوشمندسازی و امنیت» بر اساس ماده ۱۰۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت» و «ارتقای بهره‌وری نظام اداری، کاهش هزینه‌های جاری و چابک‌سازی، هوشمندسازی، منطقی‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت، مبتنی بر نقش دولت در خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری و کاهش تصدی‌گری» در ماده ۱۰۵ این قانون اشاره کرد. علیرغم این که این نوآوری‌ها تاکنون ذکر شده، به نظر می‌رسد چالش اصلی نوآوری در بخش عمومی در برنامه هفتم، عدم انسجام سیاستی در حوزه نوآوری بخش عمومی و ضرورت تدوین یک الگوی تنظیم‌گری نوآوری بخش عمومی در این حوزه هستیم. بنابراین هدف اصلی این پژوهش شناسایی چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در ایران در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت می‌باشد. سؤالات اصلی پژوهش نیز به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- وضعیت کنونی قانون برنامه هفتم پیشرفت از منظر پرداخت به انواع نوآوری بخش عمومی (بر اساس چهارچوب چهاروجهی نوآوری) چیست؟
- ۲- مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در تحقق نوآوری بخش عمومی (بر اساس چهارچوب چهاروجهی نوآوری) در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت چیست؟
- ۳- مهم‌ترین راهکارها در جهت تحقق نوآوری بخش عمومی (بر اساس چهارچوب چهاروجهی نوآوری) در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت چیست؟

مبانی نظری

نوآوری بخش عمومی^۱ به معنای ایجاد و اجرای ایده‌ها، روش‌ها، خط‌مشی‌ها و فناوری‌های جدید در بخش دولتی است که منجر به بهبود خدمات عمومی، افزایش کارایی دولت و تقویت حکمرانی می‌شود. این نوآوری می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند دیجیتالی‌سازی، مشارکت شهروندی، خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد و مدل‌های جدید ارائه خدمات ظاهر شود (OECD, 2017). این مفهوم شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود؛ از تحول دیجیتالی فرایندهای اداری تا طراحی مدل‌های جدید حکمرانی مشارکتی که شهروندان را در حل مسائل عمومی درگیر می‌کند (Torfing & Triantafyllou, 2016). برخلاف نوآوری در بخش خصوصی که معمولاً با انگیزه سودآوری انجام می‌شود، نوآوری عمومی عمدتاً بر حل مشکلات اجتماعی و ارزش عمومی^۲ متمرکز است (Moore, 2013). مطالعات نشان می‌دهند که نوآوری در بخش عمومی اغلب به صورت تدریجی^۳ ظاهر می‌شود، اما در مواردی مانند بحران‌ها ممکن است به شکل تحول‌آفرین^۴ بروز کند (De Vries et al., 2018).

انواع نظریه‌های نوآوری با تأکید بر نوآوری بخش عمومی را می‌توان در محورهای زیر طرح کرد:

۱. نظریه انتشار نوآوری: این نظریه که توسط اورت راجرز (۱۹۶۲) ارائه شد، توضیح می‌دهد چگونه نوآوری‌ها در بخش عمومی گسترش می‌یابند. بر اساس این نظریه، پذیرش نوآوری‌های دولتی به عواملی مانند مزیت نسبی، سازگاری و پیچیدگی بستگی دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که دولت‌ها برای تسریع در انتشار نوآوری‌ها باید بر آموزش و کاهش موانع ادراکی تمرکز کنند (Rogers, 2003; Mergel, 2019).

۲. نظریه سیستم‌های نوآوری عمومی: این نظریه بر تعامل بین نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای ایجاد نوآوری تأکید دارد. مطالعات نشان می‌دهند که

1 Public Sector Innovation

2 Public Value

3 Incremental

4 Transformational

سیستم‌های ملی نوآوری (NIS) در بخش عمومی نیازمند هماهنگی بین خط‌مشی‌گذاری، تحقیق و توسعه و اجرا هستند (Lundvall, 2016; OECD, 2017).

۳. نظریه نوآوری باز: این نظریه که توسط چسبرو (۲۰۰۳) مطرح شد، در بخش عمومی به استفاده از ایده‌های خارجی (شهروندان، کسب‌وکارها) برای بهبود خدمات اشاره دارد. نمونه‌های موفق شامل پلتفرم‌های جمع‌سپاری برای حل مشکلات شهری است (Chesbrough, 2003; Bommert, 2021).

۴. نظریه نوآوری تحول‌آفرین: این نظریه که توسط کریستنسن (۱۹۹۷) توسعه یافت، در بخش عمومی به نوآوری‌هایی اشاره می‌کند که مدل‌های سنتی خدمات دولتی را دگرگون می‌کنند. چالش اصلی، مقاومت بوروکراسی در برابر تغییرات اساسی است (Christensen, 1997; Janowski, 2020).

۵. نظریه نوآوری اجتماعی: این نظریه بر حل مسائل عمومی مانند فقر یا نابرابری از طریق راه‌حل‌های نوآورانه تأکید دارد. دولت‌ها با حمایت از نو کسب‌وکارهای اجتماعی یا مشارکت با گروه‌های مردم‌نهاد می‌توانند به نتایج پایدار دست یابند (Mulgan, 2006; OECD, 2020).

۶- نظریه نوآوری آینده‌گرا: نوآوری آینده‌گرا به رویکردی نظام‌مند اشاره دارد که در آن سازمان‌های دولتی با استفاده از رویکردهای آینده‌گرا و تحلیل روندهای کلان، چالش‌های آتی را پیش‌بینی و راهکارهای پیش‌دستانه توسعه می‌دهند. این مفهوم که توسط OECD (۲۰۲۱) معرفی شد، بر سه اصل استوار است: ۱) شناسایی سیگنال‌های ضعیف تغییرات آتی، ۲) آزمایش راه‌حل‌های نوآورانه در محیط‌های کنترل‌شده، و ۳) طراحی خط‌مشی‌های انعطاف‌پذیر برای مواجهه با سناریوهای مختلف (OECD, 2021).

پیشینه پژوهش

در این بخش مهم‌ترین و جدیدترین مقالات پژوهشی در حوزه نوآوری بخش عمومی را مرور خواهیم کرد.

۱. مطالعه‌ای با عنوان «طراحی برای خط‌مشی‌های عمومی نوآوری رادیکال در دولت‌های نامطمئن» به بررسی نقش «تفکر طراحی» به عنوان یک رویکرد قدرتمند برای ایجاد

نوآوری‌ها در خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌پردازد. نویسندگان استدلال می‌کنند که این روش می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا با پیچیدگی و عدم اطمینان در دنیای مدرن بهتر کنار بیایند (Bason & Schneider, 2021).

۲. «نوآوری بخش عمومی یک زمینه تحقیقاتی رو به رشد» پژوهشی دیگر در این زمینه، با مروری جامع، حوزه نوآوری بخش عمومی را به عنوان یک رشته دانشگاهی در حال بلوغ ترسیم می‌کند. نویسندگان با بررسی گسترده ادبیات، تعاریف، مفاهیم کلیدی و مسیرهای آینده تحقیق را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنند (De Vries et al., 2016).

۳. در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «نوآوری بخش عمومی و شبکه‌های اداری، شواهدی از دولت‌های محلی»، به تجزیه و تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه مشارکت در شبکه‌های حرفه‌ای و اداری، نوآوری در سازمان‌های بخش عمومی (دولت‌های محلی) را تسهیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این شبکه‌ها نقش پیشران در اشاعه ایده‌های نو دارند (Walker et al., 2019).

۴. تحقیقی دیگر در این زمینه با عنوان «نوآوری بخش عمومی و حکمرانی، چالش‌های سیاست و مدیریت»، به بررسی رابطه پیچیده بین نوآوری و ساختارهای حکمرانی می‌پردازد. نویسندگان استدلال می‌کنند که برای موفقیت نوآوری، باید چارچوب‌های حکمرانی سنتی تطبیق داده شوند تا فضای بیشتری برای آزمایش و تحمل شکست ایجاد شود (Hartley et al., 2013).

۵. «رهبری برای نوآوری در بخش عمومی» مطالعه دیگری در این زمینه بوده که این مطالعه به بررسی نقش حیاتی رهبران در ایجاد و هدایت نوآوری در سازمان‌های دولتی می‌پردازد. نویسندگان ویژگی‌ها و رفتارهای رهبرانی را که قادر به ایجاد فرهنگ نوآوری، مدیریت ریسک و الهام بخشیدن به کارکنان هستند، شناسایی می‌کنند (Torfing, 2019).

۶. تحقیقی دیگر با عنوان «نوآوری بخش عمومی دیجیتال، چارچوبی برای تحلیل»، یک چارچوب مفهومی برای درک ابعاد مختلف نوآوری دیجیتال در بخش عمومی ارائه می‌دهد. این چارچوب بر جنبه‌های فناورانه، سازمانی، اکوسیستمی و ارزش عمومی تمرکز دارد و به درک چگونگی تحول دیجیتال خدمات عمومی کمک می‌کند (Janowski, 2015).

۷. تحقیقی دیگر با عنوان «شکاف نوآوری در بخش عمومی، شواهدی از اروپا» به بررسی عوامل مؤثر بر ظرفیت نوآوری در سازمان‌های بخش عمومی در کشورهای مختلف اروپایی می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل نهادی، سیاسی و مدیریتی چگونه بر ایجاد «شکاف نوآوری» بین کشورها تأثیر می‌گذارند (Demircioglu & Audretsch, 2019).

۸. «مدیریت ریسک در نوآوری بخش عمومی» عنوان پژوهشی دیگر در این زمینه بوده که به چالش مدیریت ریسک‌های ذاتی در پروژه‌های نوآورانه بخش عمومی می‌پردازد. نویسندگان بر این موضوع تأکید می‌کنند که درک و مدیریت فعال ریسک، شرط لازم برای موفقیت نوآوری است و راهکارهایی برای انجام این کار در محیطی که معمولاً ریسک‌گریز است، ارائه می‌دهند (Brown & Osborne, 2013).

۹. مطالعه‌ای دیگر با عنوان «نوآوری باز در بخش عمومی، چرا و چگونه؟»، مفهوم «نوآوری باز» را که ابتدا در بخش خصوصی مطرح شد، به بخش عمومی منتقل می‌کند. نویسندگان استدلال می‌کنند که مشارکت شهروندان، کسب‌وکارها و سایر ذینفعان خارجی می‌تواند منبع قدرتمندی برای ایده‌ها و راه‌حل‌های نوآورانه باشد (Lee et al., 2012).

۱۰. «تأثیر نوآوری بخش عمومی بر رضایت شهروندان» عنوان تحقیقی دیگر در این زمینه بوده که این مطالعه تجربی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا نوآوری در ارائه خدمات عمومی واقعاً منجر به افزایش رضایت شهروندان می‌شود یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که نوآوری، به‌ویژه زمانی که مشارکت شهروندان را افزایش دهد، تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت دارد (Meijer, 2015).

۱۱. تحقیقی دیگر با عنوان «اکوسیستم‌های نوآوری بخش عمومی نقش بازیگران چندگانه»، به تحلیل نوآوری بخش عمومی از منظر اکوسیستم می‌پردازد. نویسندگان نشان می‌دهند که نوآوری تنها محصول یک سازمان دولتی نیست، بلکه نتیجه تعامل پیچیده بین دولت، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، جامعه مدنی و شهروندان است (Perez et al., 2020).

۱۲. «موانع و پیش‌ران‌های نوآوری در بخش عمومی، یک مطالعه مروری سیستماتیک» عنوان پژوهشی دیگر در این زمینه بوده که این مقاله با استفاده از یک روش مرور سیستماتیک، موانع اصلی (مانند ساختار سلسله‌مراتبی، کمبود منابع و فرهنگ ریسک‌گریزی) و پیش‌ران‌های کلیدی (مانند رهبری حمایتگر، مشوق‌ها و همکاری‌های بیرونی) نوآوری در بخش عمومی را شناسایی و دسته‌بندی می‌کند (Cinar et al., 2019).

۱۳. مطالعه‌ای دیگر با عنوان «نوآوری اجتماعی در بخش عمومی، از مفهوم تا عمل»، بر روی شکل خاصی از نوآوری به نام «نوآوری اجتماعی» متمرکز است که هدف آن توسعه راه‌حل‌های نوین برای مسائل پیچیده اجتماعی است. نویسندگان چگونگی نقش‌آفرینی سازمان‌های دولتی در تسهیل این نوآوری‌ها را بررسی می‌کنند (Voorberg et al., 2015).

۱۴. «اندازه‌گیری نوآوری در بخش عمومی، رویکردها و چالش‌ها» عنوان مقاله‌ای دیگر در این زمینه است که یکی از دشوارترین جنبه‌های مدیریت نوآوری، یعنی اندازه‌گیری آن می‌پردازد. نویسندگان روش‌ها و شاخص‌های مختلف برای سنجش عملکرد نوآوری در بخش عمومی را مرور کرده و چالش‌های منحصربه‌فرد این کار را موردبحث قرار می‌دهند (Bloch, 2011).

۱۵. مطالعه‌ای دیگر با عنوان «آزمایشگاه‌های نوآوری بخش عمومی: آزمایشگاه‌های واقعی برای تغییر» به بررسی پدیده «آزمایشگاه‌های نوآوری» به عنوان فضایی فیزیکی یا مجازی برای آزمایش ایده‌های جدید در بخش عمومی می‌پردازد. نویسندگان نقش این آزمایشگاه‌ها در ایجاد فرهنگ آزمایشگری و یادگیری را تحلیل می‌کنند (Tönurist et al., 2017).

در زمینه پژوهش‌های داخلی انجام گرفته در این حوزه نیز می‌توان به این اشاره کرد که بسیار محدود بوده و تاکنون مطالعه‌ای در زمینه کاربرست نوآوری بخش عمومی در حوزه قوانین و برنامه‌های توسعه در کشور انجام نگرفته است. مواردی که تا حدودی به مفهوم نوآوری بخش عمومی مرتبط بوده می‌توان در این زمینه می‌توان به مطالعه رستمی و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «مطالعه تطبیقی تجربیات جهانی نوآوری باز در بخش دولتی و

ارائه راهکارهایی برای نظام مدیریت دولتی و حکمرانی ایران» و پژوهش عبدالحسین زاده و عبدالحمید (۱۴۰۱) با عنوان «شناسایی و دسته‌بندی ابزارها و سازوکارهای تحقق هم نوآوری اجتماعی در بخش عمومی» اشاره کرد که به بررسی تجربیات جهانی نوآوری باز و مفهوم هم نوآوری در بخش عمومی پرداخته‌اند.

به‌عنوان جمع‌بندی در این بخش و بر اساس تحلیل نظام‌مند پیشینه پژوهش، مقالات مرتبط با نوآوری بخش عمومی را می‌توان در چهار حوزه موضوعی اصلی دسته‌بندی نمود:

۱. مبانی مفهومی و زمینه‌ساز: مطالعاتی مانند دی وریز و همکاران (۲۰۱۶) و هارتلی و همکاران (۲۰۱۳) به تبیین مبانی نظری و الزامات حکمرانی نوآوری پرداخته‌اند. این مقالات بر ضرورت تحول در چارچوب‌های خط‌مشی‌گذاری و ساختارهای نهادی برای پذیرش نوآوری بخش عمومی تأکید دارند.

۲. عوامل سازمانی و راهبردی: تحقیقات تورفینگ (۲۰۱۹) و سینار و همکاران (۲۰۱۹) نقش محوری رهبری، فرهنگ سازمانی و مدیریت ریسک را به‌عنوان پیش‌ران‌های نوآوری بخش عمومی تحلیل کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که فقدان رهبری تحول‌آفرین و مکانیسم‌های تحمل شکست از موانع اصلی هستند.

۳. ابزارها و مکانیسم‌های اجرایی: مطالعات باسون و اشنايدر (۲۰۲۱) و تونوریست و همکاران (۲۰۱۷) بر رویکردهای نوینی مانند تفکر طراحی و آزمایشگاه‌های نوآوری متمرکز شده‌اند. این پژوهش‌ها ظرفیت این ابزارها را برای غلبه بر پیچیدگی و عدم اطمینان در محیط‌های دولتی نشان می‌دهند.

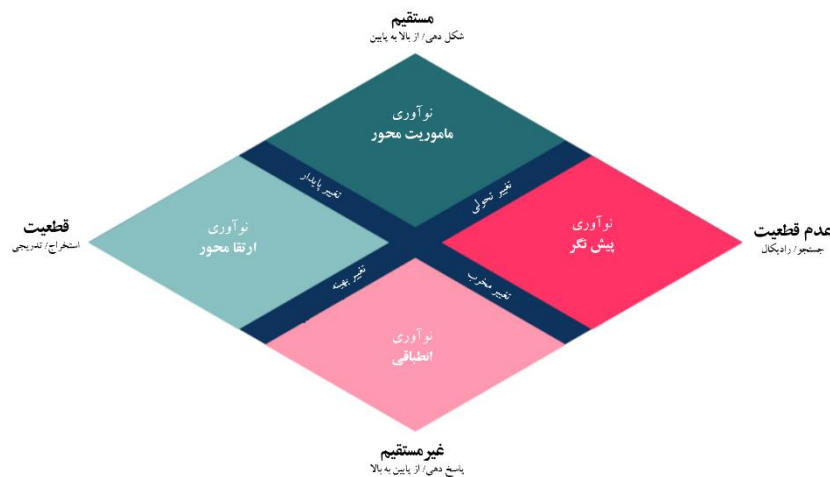
۴. پیامدها و اکوسیستم نوآوری: مقالات میجر (۲۰۱۵) و پرز و همکاران (۲۰۲۰) به ترتیب به بررسی تأثیر نوآوری بخش عمومی بر رضایت شهروندان و نقش بازیگران چندگانه در اکوسیستم نوآوری پرداخته‌اند.

باوجود پوشش نسبتاً جامع ابعاد نوآوری در ادبیات موجود، هیچ مطالعه‌ای به‌صورت یکپارچه به تحلیل هم‌زمان چالش‌ها و راهکارهای نوآوری بخش عمومی در چهارچوب یک برنامه توسعه کلان ملی با روشی نظام‌مند پرداخته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر برنامه هفتم پیشرفت در ایران، درصدد پر کردن این خلأ است. همچنین مطالعات حوزه

نوآوری بخش عمومی در مقالات داخلی به شدت محدود بوده و این مطالعه دیدگاه جدیدی جهت توسعه مفهومی و کاربرست مفهوم نوآوری بخش عمومی و در نظام حکمرانی کشور را طرح می نماید.

-چارچوب نوآوری بخش عمومی OPSI (رصدخانه بخش عمومی OECD)
یکی از چارچوب هایی که می تواند راهنمای نوآوری بخش عمومی باشد، چارچوب ابعاد نوآوری رصدخانه بخش عمومی است (OECD, 2020). این چارچوب نشان می دهد که نوآوری بخش عمومی بسته به هدف و همچنین میزان محافظه کارانه/افزایشی^۱ یا اکتشافی/رادیکال^۲ بودن آن متفاوت است. همچنین می تواند بیشتر از بالا به پایین و جهت دار باشد یا از پایین به بالا و واکنشی به شرایط در حال تغییر، که ماهیتی غیر جهت دار دارد. این نگاه به نوآوری به دولت ها کمک می کند تا با پذیرش شکست به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری، به جای تمرکز صرف بر یک پروژه، از تنوع و آزمایش های موازی برای رسیدن به راه حل های مؤثرتر استفاده کنند.

شکل ۱. چارچوب نوآوری بخش عمومی OPSI



منبع: (OECD, 2020)

1 Exploitative/incremental

2 Exploratory/radical

فعالیت در هر یک از وجوه، اهداف و محرک‌های متفاوتی دارد که شامل محورهای نوآوری بهبود محور، نوآوری مأموریت محور، نوآوری (انطباقی) ارتقا محور و نوآوری پیش نگر می‌باشد. هر یک از این وجوه نقاط قوت و کمک‌های متمایزی دارند، اما محدودیت‌ها و کاستی‌هایی نیز در آن‌ها وجود دارد. بنابراین، ترکیبی از این فعالیت‌ها مطلوب خواهد بود. البته ترکیب دقیق آن بستگی به زمینه، امکانات سازمان یا تیم، و تحولات اکوسیستم پیرامونی دارد. بر این اساس، مدل وجوه چارچوبی فراهم می‌کند که تیم‌ها و سازمان‌ها می‌توانند با آن فعالیت‌های موجود خود را ارزیابی کنند و درباره ترکیب مطلوب فعالیت‌ها با توجه به بستر، اولویت‌ها و آرمان‌هایشان تفکر کنند (OECD, 2020).

این چارچوب، به دلایل متعددی برای تحلیل نوآوری بخش عمومی در برنامه هفتم پیشرفت ایران مناسب است. اولاً، این چارچوب با دربرگرفتن ابعاد مختلف نوآوری عمومی امکان تحلیلی جامع از حوزه‌های نوآوری در برنامه هفتم را فراهم می‌کند. این چارچوب با دربرگیری نوآوری پیش نگر به تحلیل آینده‌نگری برنامه در حوزه فناوری‌های آینده می‌پردازد. از طریق نوآوری ارتقا محور یا انطباقی، ظرفیت برنامه برای پاسخ به تغییرات و شوک‌های بیرونی را می‌سنجد. با محور نوآوری مأموریت گرا، همسویی برنامه با اهداف کلان ملی را ارزیابی می‌کند و با نوآوری تقویت کننده، اهتمام برنامه به بهبود تدریجی فرآیندهای موجود را تحلیل می‌نماید. این جامعیت تحلیلی، امکان ارزیابی متوازن و همه‌جانبه از نوآوری در برنامه هفتم پیشرفت را فراهم می‌آورد.

روش

در این پژوهش به منظور استخراج مختصات نوآوری در برنامه هفتم توسعه و پیشرفت جمهوری اسلامی از تحلیل اسنادی و نظرات تخصصی خبرگان بهره‌گیری شده است و داده‌های گردآوری شده مبتنی بر روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل گردیده است. تحلیل مضمون یک روش کیفی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها (مضامین) درون داده‌ها است. این روش یک ابزار پایه و بسیار منعطف است که می‌تواند برای تحلیل طیف وسیعی از داده‌های کیفی (مصاحبه، گروه‌های کانونی، اسناد، پاسخ‌های

باز پرسشنامه و ...) به کار رود. براون و کلارک بین دو رویکرد تمایز قائل می‌شوند: ۱- تحلیل مضمون قیاسی: زمانی استفاده می‌شود که محقق با یک چارچوب نظری خاص یا سؤالات از پیش تعیین شده به سراغ داده‌ها می‌رود. ۲- تحلیل مضمون استقرایی: زمانی استفاده می‌شود که مضامین مستقیماً از خود داده‌ها و بدون تلاش برای قرار دادن آن‌ها در یک چارچوب نظری از پیش موجود، استخراج می‌شوند.

مراحل گام به گام تحلیل مضمون بر اساس رویکرد براون و کلارک در این پژوهش به شرح زیر می‌باشد (Braun, & Clarke, 2006):

گام ۱- آشنایی با داده‌ها: در گام نخست ابتدا بررسی اولیه‌ای پیرامون مواد و بندهای مرتبط با نوآوری بخش عمومی در برنامه هفتم پیشرفت به انجام رسیده و سپس مروری بر مهم‌ترین نظرات خبرگانی مبتنی بر اسناد مکتوب تخصصی و نظرات شفاهی در زمینه چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت انجام گردیده است. این کار از طریق مطالعه مکرر متون و یادداشت برداری از ایده‌ها و نظرات خبرگانی انجام می‌پذیرد. هدف نهایی، درک عمیق و تسلط کامل بر محتوای داده‌ها قبل از شروع هرگونه کدگذاری است.

گام ۲- تولید کدهای اولیه: در این گام مبتنی بر مطالعات اسنادی، تمامی متن برنامه هفتم پیشرفت بررسی گردید و مواد مرتبط با حوزه نوآوری بخش عمومی استخراج گردید. در ادامه نیز مبتنی بر نظرات خبرگانی کدهای اولیه‌ای در زمینه شناسایی چالش‌ها و راهکارها تحقق نوآوری بخش عمومی استخراج گردید. در این مرحله، داده‌ها به بخش‌های کوچک و معنادار تقسیم شده و برای هر بخش، یک کد یا برچسب توصیفی اختصاص می‌یابد.

گام ۳- جستجو برای مضامین: در این گام، کدهای تولیدشده برای یافتن الگوهای معنادارتر، سازمان‌دهی و دسته‌بندی می‌شوند. کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفته تا «مضامین» بالقوه را تشکیل دهند. یک مضمون، الگویی است که یک جنبه مهم یا یک ایده تکراری در رابطه با سؤال تحقیق را در برمی‌گیرد. خروجی این مرحله، مجموعه اولیه‌ای از مضامین و زیر مضامین است. در این گام مبتنی بر تحلیل کدهای اولیه حاصل

از تحلیل متن برنامه هفتم پیشرفت و نظرات خبرگانی، مهم‌ترین مؤلفه‌ها، چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی استخراج گردید.

گام ۴- بازیابی مضامین: این مرحله حیاتی شامل اعتبارسنجی و پالایش مضامین شناسایی شده است که در دو سطح انجام می‌شود: اول، بررسی انسجام مضامین با کدها و داده‌های خام برای اطمینان از صحت آن‌ها و دوم، ارزیابی انسجام کل «نقشه مضمونی» با مجموعه داده‌ها. در این مرحله ممکن است مضامین ادغام، تقسیم، حذف یا مضامین جدیدی ایجاد شوند. بر همین اساس مبتنی بر نظرات پژوهشگران تحقق و ملاحظات خبرگانی، مضامین بازیابی گردید.

گام ۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین: در این مرحله، هر مضمون به‌وضوح تعریف و تحلیل می‌شود. برای هر مضمون یک نام دقیق و گویا انتخاب شده و ماهیت، حدود و چیستی آن به‌روشنی در یک تعریف کتبی توضیح داده می‌شود. این کار به تضمین وضوح و دقت مضامین نهایی کمک کرده و مبنای مناسبی برای نوشتن گزارش فراهم می‌کند.

گام ۶- تولید گزارش: در مرحله نهایی، یافته‌های تحلیل در قالب یک گزارش منسجم و قانع‌کننده ارائه شده است و در قالب یک چارچوب مفهومی جامع مؤلفه‌ها، چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت ارائه گردیده است.

این نکته حائز اهمیت است که در این پژوهش از تلفیقی از رویکردهای قیاسی و استقرایی بهره‌گیری شده است. به‌طوری‌که چارچوب مبنا در این پژوهش (چارچوب نوآوری بخش عمومی OECD) مبتنی بر رویکرد قیاسی بوده، ولی در ادامه فرآیند تحلیل مضمون برنامه هفتم و نظرات خبرگانی به‌صورت استقرایی انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری نیز به‌صورت هدفمند بوده است.

وضعیت خبرگانی پژوهش که از آرا تخصصی ایشان (در دو قالب مکتوب و شفاهی به‌صورت ترکیبی) بهره‌گیری شده است، در جدول ۱ به تصویر کشیده شده است.

جدول ۱. مختصات جمعیت شناختی خبرگان پژوهش

شماره	تخصص علمی	موقعیت شغلی	سوابق شغلی
۱	دکتری مدیریت دولتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۸ سال
۲	دکتری مدیریت دولتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۵ سال
۳	دکتری مدیریت دولتی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۲ سال
۴	دکتری سیاست گذاری علم و فناوری	عضو هیئت علمی مراکز تحقیقاتی	۱۲ سال
۵	دکتری اقتصاد	عضو هیئت علمی مراکز تحقیقاتی	۱۲ سال
۶	دکتری اقتصاد	عضو هیئت علمی مراکز تحقیقاتی	۱۲ سال
۷	دکتری اقتصاد	عضو هیئت علمی مراکز تحقیقاتی	۱۲ سال
۸	دکتری مدیریت دولتی	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۱۰ سال
۹	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۱۰ سال
۱۰	دانشجوی دکتری اقتصاد	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۱۰ سال
۱۱	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۸ سال
۱۲	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۸ سال
۱۳	دکتری اقتصاد	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۵ سال
۱۴	دکتری اقتصاد	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۵ سال
۱۵	دکتری اقتصاد	پژوهشگر ارشد در مراکز تحقیقاتی	۴ سال

به منظور بررسی قابلیت اطمینان پژوهش نیز از ضریب کاپای کوهن استفاده شده است که در صورت توافق کامل بین دو کدگذار عدد ۱ و در صورت قرار گرفتن در بازه ۰.۴ و ۰.۵۹ عدد نشان‌دهنده توافق قابل قبول، مقادیر بین ۰.۶ و ۰.۷۴ توافق خوب و مقادیر بیش از ۰.۷۵ نشان‌دهنده توافق عالی بین کدگذاران است. در فرآیند این پژوهش پس از احصای ۳۵ مضمون نهایی، ضریب کاپای کوهن (قابل قبول) احصا گردیده است.

یافته‌ها

قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران

بعد از انقلاب اسلامی، اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه در سال ۱۳۶۸ و در فاصله کوتاهی بعد از پایان جنگ آغاز شد. برنامه اول از سال ۶۸ تا ۷۲، برنامه دوم از سال ۷۳ تا ۷۷، برنامه سوم از سال ۷۸ تا ۸۲، برنامه چهارم از سال ۸۳ تا ۸۷، برنامه پنجم از سال ۹۰ تا ۹۴، برنامه ششم از ۹۶ تا ۱۴۰۰ اجرا شدند. در اجرای سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه با رویکرد تحقق رشد اقتصادی عدالت محور، اصلاح نظام بانکی و مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، امنیت غذایی و ارتقاء تولید محصولات کشاورزی، بهبود نظام مدیریت یکپارچه منابع آب، رفع نارضایتی‌های انرژی، تسریع در اجرای طرح‌های کلان‌پیشران و زنجیره ارزش، توسعه ساخت مسکن، افزایش سهم ترانزیت و اقتصاد دریا محور در اقتصاد ملی، ارتقاء نظام سلامت، ارتقاء فرهنگ عمومی و رسانه، بهبود جایگاه و منزلت زن و خانواده و رشد جمعیت، افزایش نقش میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بهبود وضعیت تأمین اجتماعی و سیاست‌های حمایتی، بهبود سیاست داخلی و ارتقاء سلامت اجتماعی، افزایش سهم و نقش شبکه ملی اطلاعات و اقتصاد رقومی (دیجیتال)، ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی، ارتقاء نظام آموزشی، افزایش اثربخشی سیاست خارجی، ارتقاء توان دفاعی و امنیتی، اصلاح نظام اداری و تحول قضایی و حقوقی، لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه کشور پیشنهاد شده و در نهایت پس از اصلاحاتی در قالب قانون به تصویب رسیده است. در شکل ۲ مراحل فرآیندی تهیه و تدوین برنامه هفتم توسعه قابل مشاهده است؛ در این برنامه مرحله

اول، انجام مطالعات پشتیبان برنامه، مرحله دوم پیشنهاد سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، مرحله سوم ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، مرحله چهارم تهیه و تدوین برنامه، مرحله پنجم، تصویب برنامه در مجلس شورای اسلامی، مرحله ششم ابلاغ قانون برنامه هفتم توسعه و مرحله هفتم نظارت بر اجرا می‌باشد که در شکل ۲ قابل مشاهده است.

شکل ۲. مراحل فرآیندی برنامه‌ریزی توسعه در ایران



منبع: چارچوب اصلی نظام‌نامه برنامه هفتم توسعه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه‌بودجه، سازمان برنامه‌بودجه، شهریورماه ۱۴۰۱

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، در بررسی عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اهداف قانون‌گذار در ۳۰ درصد احکام محقق، در ۴۸ درصد احکام بخشی از اهداف محقق شده و در ۲۲ درصد احکام اهداف قانون‌گذار محقق نشده است.

مختصات نوآوری در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت

به منظور شناسایی مختصات نوآوری در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت، بر اساس فصول و مواد طرح شده در این برنامه و بر اساس چارچوب چهارگانه نوآوری بخش عمومی، ذیل هر رویکرد نوآوری، ابتدا تعریف، سپس مصادیق در برنامه هفتم و در نهایت مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی بر اساس نظرات خبرگانی طرح گردیده است.

قبل از ورود به جدول نهایی، نمونه کدهای مستخرج از نظرات خبرگانی را در قالب جدول ۲ تبیین خواهیم نمود.

جدول ۲. نمونه مضامین مستخرج از نظرات خبرگانی

نظرات خبرگانی تخصصی	مضامین مستخرج
سهم تحقیق و توسعه بخش دولتی کمتر از نیم درصد، و رتبه جهانی نوآوری ایران در آخرین به‌روزرسانی در جایگاه هفتم میان ۱۳۹ کشور قرار دارد.	-پایین بودن سهم تحقیق و توسعه در بخش دولتی (چالش) -پایین بودن رتبه نوآوری ایران (چالش)
ارزیابی کلان عملکرد احکام کمی و تکلیفی مندرج در مواد (۹۳) و (۹۹) قانون برنامه هفتم پیشرفت در حوزه نوآوری نشان می‌دهد هرچند در سال اول اجرای برنامه، با توجه به انتخاب دست پایین مقدار هدف کمی سنجه‌ها در سال ۱۴۰۳، تقریباً ۴۰ درصد اهداف به‌طور کامل محقق شده، ۳۰ درصد از آن با تحقق بالای ۸۰ درصد و مابقی نیز بین ۴۰ تا ۵۰ درصد محقق شده‌اند، اما در سال‌های آتی و در پایان برنامه هفتم امکان تحقق برخی از این اهداف سخت و ناممکن به نظر می‌رسد.	-ضعف در اجرایی سازی و تحقق مفاد حوزه نوآوری در برنامه هفتم توسعه (چالش)
علی‌رغم تصویب مجموعه‌ای از قوانین حمایتی نظیر «قانون جهش تولید دانش‌بنیان»، تحقق اهداف کلان برنامه هفتم در زمینه ارتقای اقتصاد دانش‌محور و تجاری‌سازی فناوری همچنان بافاصله معناداری مواجه است.	-ضعف در تحقق اهداف کلان برنامه هدف توسعه در اقتصاد دانش‌محور (چالش)
نظام اداری کشور با ابر چالش‌های متعددی نظیر فقدان بهره‌وری کافی، مشکلات و ناهماهنگی‌های ساختاری و فرایندی و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا با رویکرد نوآورانه مواجه است که باعث اتلاف منابع و نارضایتی عمومی می‌شود. این مسائل نیازمند اصلاحات بنیادین در ساختار دولت و شیوه‌های اجرایی هستند.	-ناهماهنگی‌های ساختاری و فرایندی در حوزه نوآوری (چالش) -اصلاحات بنیادین در ساختار دولت و شیوه‌های اجرایی نوآورانه (راهکار)
قانون برنامه هفتم پیشرفت باهدف اصلاح نظام اداری تلاش دارد تا از طریق کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش بهره‌وری، نظام اداری را کارآمدتر کند. تحلیلی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد که در برخی بخش‌ها موفقیت‌هایی در تحقق اهداف به‌دست آمده، اما چالش‌هایی نظیر کمبود منابع موردنیاز، مقاومت در برابر تغییرات و مشکلات ساختاری همچنان وجود دارد.	-کمبود منابع و تأمین مالی نوآوری (چالش) مقاومت در برابر تغییرات (چالش)

ادامه جدول ۲.

مضامین مستخرج	نظرات خبرگانی تخصصی
-توجه سازمان اداری استخدامی به رویکردهای مشارکتی (راهکار)	ضروری است که سازمان اداری و استخدامی کشور به تقویت مدل‌های مشارکت طلبی در فرایند اصلاحات اداری توجه کند. این امر می‌تواند از طریق جلب همکاری بخش‌های خصوصی، نهادهای علمی و تخصصی، و به‌ویژه مشارکت فعال دستگاه‌های اجرایی در طراحی و پیاده‌سازی تغییرات ساختاری به دست آید. این رویکرد نه تنها به کاهش مقاومت در برابر تغییرات کمک می‌کند؛ بلکه باعث افزایش انعطاف‌پذیری و کارآمدی سیستم اداری خواهد شد.
-یکپارچه‌سازی سیستم‌های فناوری اطلاعات (راهکار)	در راستای هوشمند سازی دولت، توصیه می‌شود که یکپارچه‌سازی سیستم‌های فناوری اطلاعات در دستگاه‌های اجرایی کشور به‌ویژه در زمینه‌های خدمات دولتی، انجام شده و برای بهبود تصمیم‌گیری و تسهیل فرایندها بهره‌برداری شود. این اقدام می‌تواند سریع‌تر شدن ارائه خدمات، کاهش هزینه‌ها و افزایش شفافیت در فعالیت‌های دولت را به دنبال داشته باشد.
-تحقق دولت الکترونیک (راهکار)	در این قانون، به‌ویژه در مواد (۱۰۴) و (۱۰۷)، تحقق دولت الکترونیکی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه با رویکرد ارتقای کارایی، شفافیت و بهبود دسترسی به خدمات عمومی تأکید می‌شود.
-شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی از سامانه‌های فرا بخشی و ستادی (راهکار)	ابهامات موجود در بند «ت» ماده (۱۰۷) شامل تعریف سامانه‌های ملی، فرا بخشی و ستادی و دامنه الزام به مجوز توسعه، به‌عنوان چالش اساسی شناسایی شده و راهکارهایی در این زمینه، نظیر شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی از عبارات «سامانه‌های فرا بخشی و ستادی» در این ماده، یکپارچه‌سازی سازوکارهای نظارتی جهت نظارت بر پیشبرد سامانه‌های متعدد پیشنهاد می‌شود.
-ضرورت طراحی سازوکارهای نظارتی حوزه نوآوری در برنامه هفتم توسعه (راهکار)	با توجه به تعدد و در برخی موارد تعارض بین آمار و داده‌های حوزه فناوری، نوآوری و دانش‌بنیان، ایجاد پایگاه داده برخط و یکپارچه مربوط به پایش شاخص‌های این حوزه در ادامه مسیر پایش اهداف مرتبط در برنامه هفتم پیشرفت بسیار ضروری است.
-کمبود منابع مالی در تحقق بخشی برخی اهداف نوآوری در حوزه هوشمند سازی و فناوری اطلاعات (چالش)	از میان اهداف کمی فصل سیزدهم برنامه هفتم پیشرفت، ۷ هدف مرتبط به‌صورت کامل محقق شده، ۷ هدف تحقق زیاد و ۴ هدف تحقق کم محقق شده‌اند. مطابق بررسی‌های انجام‌شده، دلیل عدم تحقق بخش قابل‌توجهی از اهداف کمبود منابع مالی بوده و بعدازآن فقدان توان کارشناسی باعث عدم تحقق اهداف شده است.

بر همین اساس مضامین اولیه مستخرج از نظرات خبرگانی در گام نخست بر اساس چالش‌ها و راهکارها احصا گردید. سپس هر کدام از مضامین (چالش‌ها، راهکارها) در ۴ محور نوآوری مأموریت گرا، نوآوری قابلیت محور، نوآوری انطباقی و نوآوری پیش نگر دسته‌بندی گردید. سپس مضامین سطح بالاتر از تجميع کدها و مضامین اولیه استخراج گردید که در قالب جدول ۳، تجميع مضامین اولیه مستخرج از نظرات خبرگانی در قالب یکپارچه درج گردیده است.

جدول ۳. تحلیل مختصات نوآوری بخش عمومی در قانون برنامه هفتم توسعه

نوع	تعریف	مصادیق در برنامه هفتم	مهم‌ترین چالش‌ها (از منظر خبرگان)	مهم‌ترین راهکارها (از منظر خبرگان)
مأموریت‌های نوآوری	بر خط‌مشی‌گذاری یکپارچه و فرا بخشی برای حل چالش‌های کلان ملی تأکید دارد. این رویکرد با ایجاد هماهنگی بین دستگاهی، زمینه تحقق اهداف بلندمدت را از طریق مسیرهای نوآورانه فراهم می‌کند. برای نمونه، با تعریف مأموریت‌های مشخص در حوزه نوآوری در جهت اولویت‌های ملی هدایت می‌شود.	ماده ۶۹- بند الف: نظام تنظیم گری (رگولاتوری)	✓ پراکندگی و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در پیگیری مأموریت‌های کلان	✓ تدبیر برای چالش نهادها و شوراهای موازی
		ماده ۱۰۲- بند ب: ظرفیت‌های ملی در نظام نوآوری در صنایع دفاعی با سایر عرصه‌ها	✓ حجم بالای تشکیلات دولتی و تمرکزگرایی نظام تصمیم‌گیری	✓ نگاشت نهادی مأموریت‌های کلان با تعیین مسئولیت‌های شفاف
		ماده ۱۰۷- بند ب: ایجاد معاونت نوآوری، هوشمند سازی و امنیت	✓ ضعف در سیستم‌های پایش و اندازه‌گیری پیشرفت مأموریت‌های نوآوری	✓ استقرار سامانه پایش هوشمند پیشرفت مأموریت‌ها
		ماده ۱۰۷- بند ث: نوآوری مبتنی بر توسعه شاخص‌های ملی و بین‌المللی	✓ ضعف در همکاری‌های میان دستگاهی	✓ طراحی نظام پایش و ارزیابی دستگاه‌های دولتی در حوزه نوآوری
			✓ مالی پایدار برای مأموریت‌های بلندمدت	✓ ادغام شوراها با وظایف مشابه در تحقق اهداف و مأموریت‌ها

ادامه جدول ۳.

نوع	تعریف	مصادیق در برنامه هفتم	مهم‌ترین چالش‌ها (از منظر خبرگان)	مهم‌ترین راهکارها (از منظر خبرگان)
توسعه خدمات و بهبود کیفیت	معطوف به خطمشی‌گذاری برای اصلاح ساختارها، فرآیندها و قوانین موجود در جهت توانمندسازی بخش عمومی است. این رویکرد با رویکردهایی مانند اصلاح مقررات، توسعه مهارت‌های کارکنان و استقرار نظام‌های رویه‌ای سازمانی نوآوری، ظرفیت درونی دولت را برای خلق و اجرای ایده‌های جدید افزایش می‌دهد.	ماده ۴- بند ث: نوآوری مبتنی بر شفاف‌سازی فرآیندهای حکومت	✓ قوانین و مقررات دست و پاگیر و کهنه ✓ نظام اداری متمرکز و غیر منعطف ✓ نا ترازی نیروی انسانی و بزرگ بودن دولت ✓ تورم بروکراسی در کشور ✓ فرهنگ سازمانی مقاوم در برابر تغییر ✓ مقاومت بوروکراتیک در برابر تغییر مأموریت‌های سنتی	✓ چابک سازی دولت مبتنی بر مهندسی مجدد فرآیندها و خدمات ✓ استقرار و عملیاتی سازی نظام بهره‌وری دولت ✓ ایجاد ساختار معاونت نوآوری دستگاه‌های اجرایی در چارچوب برنامه هفتم ✓ طراحی نظام تأمین مالی پایدار برای تحقق اهداف نوآوری
		ماده ۴- تبصره بند ث: نوآوری مبتنی بر هوشمند سازی (ایجاد سامانه سیستمی) در ارائه خدمات		
		ماده ۱۰۷- بند خ: نوآوری اداری و سازمانی مبتنی بر بهره‌وری		
		ماده ۱۰۸- بند پ: نوآوری مبتنی بر احراز هویت یکپارچه		

ادامه جدول ۳.

نوع	تعریف	مصادیق در برنامه هفتم	مهم‌ترین چالش‌ها (از منظر خبرگان)	مهم‌ترین راهکارها (از منظر خبرگان)
توسعه خدمات	بر خطمشی‌گذاری کاربر محور و بهبود مستمر خدمات عمومی تمرکز دارد. این رویکرد با تدوین سازوکارهایی مانند توسعه پلتفرم‌های یکپارچه خدمات الکترونیک، استانداردسازی فرآیندها و طراحی سازوکارهای دریافت و تحلیل بازخورد شهروندان، موجب افزایش کیفیت، سرعت و دسترسی به خدمات شده و پاسخگویی دولت به نیازهای متغیر جامعه را تضمین می‌کند.	ماده ۴- بند ج: الکترونیکی کردن فرآیندهای دولت	✓ پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی دولت ✓ خدمات الکترونیکی پراکنده و غیر یکپارچه ✓ عدم دسترسی عادلانه به خدمات دیجیتال در مناطق محروم ✓ ضعف در جمع‌آوری و تحلیل بازخورد شهروندان ✓ نارسایی در ارائه خدمات شخصی‌سازی شده ✓ کندی فرآیندهای ارائه خدمات	✓ امکان ایجاد فضای تعاملی با شهروندان در ارائه خدمات دولت ✓ راه‌اندازی دفاتر خدمات الکترونیک دولت در مناطق محروم ✓ استقرار سامانه هوشمند جمع‌آوری و تحلیل نظرات شهروندان ✓ طراحی سامانه‌های پیشنهاددهنده هوشمند خدمات
		ماده ۴۸- بند د: نوآوری مبتنی بر توسعه سکوها (پلتفرم‌های) عمومی		
		ماده ۸۰- بند ت: نوآوری مبتنی بر نظام اثرسنجی		
		ماده ۸۳- بند پ: «سامانه جامع صدور اسناد مالکیت و بستر یکپارچه استعلام دستگاهی»		
		ماده ۹۴- بند پ: نوآوری اجتماعی با تاکید بر حلقه‌های میانی و اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر		
		ماده ۱۰۷- بند خ - تبصره: نوآوری مبتنی بر فعال سازی تشکلهای اجتماعی		
		ماده ۱۱۳- بند پ: نوآوری مبتنی بر برخط سازی استعلامات		

ادامه جدول ۳.

نوع	تعریف	مصادیق در برنامه هفتم	مهم‌ترین چالش‌ها (از منظر خبرگان)	مهم‌ترین راهکارها (از منظر خبرگان)
سیاستی	بر خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر و تاب‌آور در مواجهه با تغییرات سریع فناوریانه و اجتماعی استوار است. این رویکرد، دولت را قادر می‌سازد تا به جای واکنش منفعلانه، به صورت فعالانه چالش‌های آینده را پیش‌بینی و در جهت تبدیل تهدیدها به فرصت اقدام نماید.	ماده ۶- تبصره ۵- بند پ: ایجاد سامانه ملی اطلاعات	✓ ضعف در آینده نگری و سناریومبنا نبودن برنامه‌های توسعه در کشور	✓ راه‌اندازی رصدخانه نوآوری بخش عمومی در چارچوب برنامه هفتم ✓ ایجاد واحد پاسخ سریع به تحولات نوین (همچون هوش مصنوعی) و طراحی اقدامات ملی مقتضی در چارچوب برنامه هفتم
		ماده ۴۸- بند الف- مورد ۴: نوآوری مبتنی بر هوشمندسازی خدمات		
		ماده ۵۳- بند الف: هوشمندسازی و راه اندازی سامانه		
		ماده ۶۹- بند الف: ایجاد نظام هوشمند اطلاعات		
		ماده ۸۵- بند ح: اینجاد مرکز ملی تبادل اطلاعات		
		ماده ۱۰۷- بند الف: زیرساخت یکپارچه ابری دولت هوشمند		
		ماده ۱۱۳- بند الف: نوآوری مبتنی بر هوش مصنوعی		

بحث و نتیجه‌گیری

قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، نوآوری بخش عمومی را به‌عنوان محوری اساسی در تحقق اهداف توسعه ملی مورد تأکید قرار داده است. این پژوهش با

بهره‌گیری از چارچوب چهارگانه نوآوری بخش عمومی OECD (ماموریت‌محور، ارتقا محور، انطباقی و پیش‌نگر) به واکاوی نظام‌مند جایگاه نوآوری در این برنامه پرداخته و با شناسایی چالش‌ها و راهکارهای کلیدی، تلاش نموده تا نقشه راهی برای عملیاتی‌سازی نوآوری در نظام حکمرانی کشور ترسیم نماید.

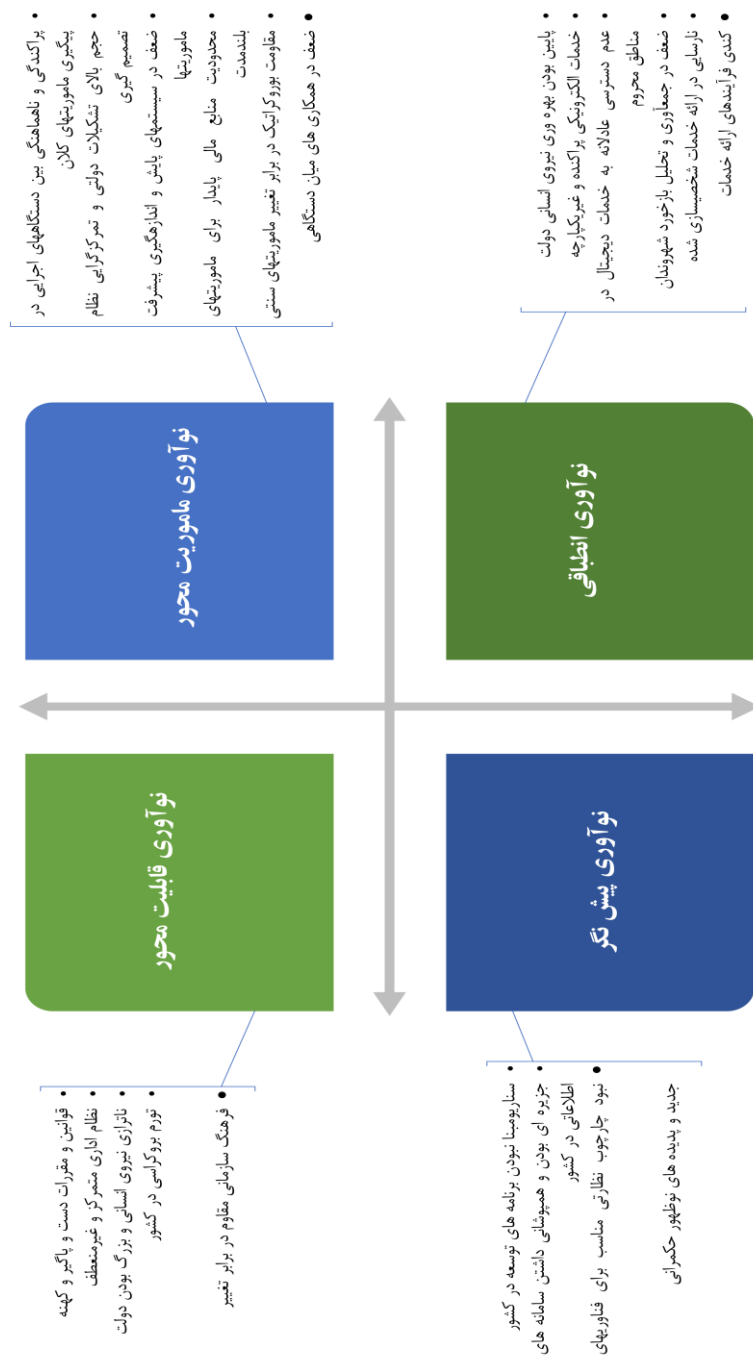
۱. نوآوری ماموریت‌محور: بر اساس نظرات خبرگانی احصا شده، اجرای نوآوری ماموریت‌محور با چالش‌های ساختاری عمیقی مواجه است. پراکندگی و ناهماهنگی بین دستگاهی، حجم بالای تشکیلات دولتی و تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری از مهم‌ترین موانع پیشروست. افزون بر این، ضعف در سیستم‌های پایش و اندازه‌گیری پیشرفت مأموریت‌ها، محدودیت منابع مالی پایدار و مقاومت بوروکراتیک در برابر تغییر، امکان تحقق مأموریت‌های کلان و فرا بخشی را با دشواری مواجه ساخته است. برای غلبه بر این چالش‌ها، تدبیر برای نهادها و شوراهای موازی از طریق ادغام دستگاه‌های با وظایف مشابه، نگاشت نهادی مأموریت‌های کلان با تعیین مسئولیت‌های شفاف، استقرار سامانه پایش هوشمند و طراحی نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های دولتی در حوزه نوآوری بخش عمومی از جمله مهم‌ترین این راهکارهاست که در موادی مانند ماده ۱۰۷ (ایجاد معاونت نوآوری) و ماده ۱۰۲ (ظرفیت‌های ملی در نظام نوآوری) تجلی یافته است.

۲. نوآوری ارتقا محور (قابلیت محور): نوآوری ارتقا محور با موانع نهادی و فرهنگی روبرو است. مبتنی بر نظرات خبرگانی، قوانین و مقررات دست‌وپا گیر، نظام‌گذاری متمرکز و غیر منعطف، نا ترازی نیروی انسانی و تورم بروکراسی، زمینه‌های لازم برای توانمندسازی بخش عمومی را تضعیف می‌کند. فرهنگ سازمانی مقاوم در برابر تغییر نیز به عنوان عاملی بازدارنده، تحول درونی دولت را با کندی مواجه ساخته است. راهکارهای خبرگانی بر اصلاح بنیادین فرآیندها و ساختارها متمرکز است. چابک‌سازی دولت از طریق مهندسی مجدد فرآیندها، استقرار نظام بهره‌وری، ایجاد ساختار معاونت نوآوری در دستگاه‌های اجرایی و طراحی نظام تأمین مالی پایدار برای نوآوری از جمله محورهای اصلی است. این راهکارها در موادی مانند ماده ۴ (شفاف‌سازی فرآیندهای حکومت) و ماده ۱۰۷ (نوآوری اداری مبتنی بر بهره‌وری) نمود یافته است.

۳. نوآوری انطباقی: نوآوری انطباقی با چالش‌های مرتبط با کیفیت خدمات و پاسخگویی به شهروندان روبروست. بر اساس نظرات خبرگانی، پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی، پراکندگی و غیر یکپارچگی خدمات الکترونیکی، عدم دسترسی عادلانه به خدمات دیجیتال و ضعف در سیستم‌های دریافت و تحلیل بازخورد شهروندان، از موانع اصلی در ارائه خدمات کارآمد و کاربر محور به شمار می‌آید. راهکارهای این حوزه بر توسعه خدمات الکترونیک یکپارچه و تعاملی تأکید دارد. ایجاد فضای تعاملی با شهروندان، راه‌اندازی دفاتر خدمات دیجیتال در مناطق محروم، استقرار سامانه هوشمند تحلیل نظرات و طراحی سامانه‌های پیشنهاددهنده هوشمند خدمات از جمله اقدامات کلیدی است. این محورها در موادی مانند ماده ۴۸ (توسعه پلتفرم‌های عمومی) و ماده ۱۱۳ (بر خط‌سازی استعلامات) پیش‌بینی شده است.

۴. نوآوری پیش‌نگر: سناریو مبنا نبودن برنامه‌های توسعه، جزیره‌ای بودن سامانه‌های اطلاعاتی و نبود چارچوب نظارتی برای فناوری‌های جدید، توانایی دولت را برای پیش‌بینی و پاسخ به تحولات آینده محدود ساخته است. خبرگان راهکارهایی برای تقویت پیش‌نگری نوآوری طرح نموده‌اند. سناریو مبنا کردن اقدامات نوآورانه، یکپارچه‌سازی نظام داده‌های ملی، راه‌اندازی رصدخانه نوآوری بخش عمومی و ایجاد واحد پاسخ سریع به تحولات نوین (مانند هوش مصنوعی) از جمله این راهکارهاست.

شکل ۳. مهم‌ترین چالش‌های تحقق نوآوری بخش عمومی در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت بر اساس نظرات خبرگان



قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت بالقوه‌ای برای تحول در حکمرانی و اداره امور عمومی در کشور بر پایه نوآوری دارد، که موفقیت آن در گرو اجرای هماهنگ و نظام‌مند تمامی اجزای این چارچوب است. در همین راستا پیشنهادات زیر به منظور تحقق نوآوری بخش عمومی در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت ارائه می‌گردد:

۱. طراحی نظام یکپارچه تنظیم‌گری برای اکوسیستم نوآوری بخش عمومی:
این نظام باید مبتنی بر اصول تنظیم‌گری پاسخگو و چابک طراحی شده و با ایجاد سکوهای تنظیم‌گری به استقرار مقررات انعطاف‌پذیر برای نوآوری بخش عمومی بپردازد. سازوکارهای نظارتی باید بر اساس تنظیم‌گری هوشمند بازطراحی شوند تا از ایجاد ناهماهنگی و موانع مقرراتی برای نوآوری بخش عمومی جلوگیری شود.

۲. استقرار نظام حکمرانی هوشمند و یکپارچه داده محور در توسعه نوآوری بخش عمومی: این نظام باید با تدوین چارچوب حاکمیت داده‌ای یکپارچه، زمینه‌سازی لازم برای تحقق نوآوری بخش عمومی خصوصاً در ساحت هوشمند سازی و پیش نگر بودن حکمرانی را فراهم آورد. این رویکرد مبتنی بر سطوح دسترسی متفاوت برای نهادهای دولتی، بخش خصوصی و گروه‌های اجتماعی بوده و با رعایت ملاحظات امنیتی و حریم خصوصی، امکان خلق ارزش از داده‌های عمومی در راستای تحقق نوآوری بخش عمومی را فراهم نماید.

۳. ایجاد نظام تأمین مالی توسعه نوآوری بخش عمومی: این تأمین مالی باید با ترکیب منابع بودجه‌ای دولتی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و مشارکت بخش خصوصی و مردم پایه در زمینه شتاب دهی نوآوری بخش عمومی طراحی شود. سازوکارهای تخصیص منابع آن باید مبتنی بر ارزیابی مرحله‌ای، پایش عملکرد و خروجی‌های قابل سنجش باشد. همچنین باید امکان استفاده از ابزارهای نوین را فراهم کند.

۴. تدوین چارچوب حکمرانی همکاری عمومی-خصوصی در حوزه نوآوری بخش عمومی: این چارچوب باید با تعریف نقش‌ها، مسئولیت‌ها و حقوق طرفین، زمینه مشارکت اثربخش نهادهای حاکمیتی و بازیگران خصوصی را در حوزه نوآوری بخش عمومی فراهم کند. طراحی آن باید شامل مکانیسم‌های شفاف انتخاب شرکا، نظارت مشترک و توزیع عادلانه منافع بوده و با کاهش ریسک‌های نهادی، اعتماد متقابل را تقویت نماید.

۵. **استقرار نظام ارزیابی اثرات خط‌مشی‌های نوآوری بخش عمومی:** این نظام باید به صورت مستقل و با بهره‌گیری از روش‌های علمی ارزیابی تأثیر، به پایش مستمر نتایج خط‌مشی‌های اجراشده در حوزه نوآوری بخش عمومی پردازد. طراحی آن باید شامل سنجش‌های کمی و کیفی، بازخورد ذی‌نفعان و ارزیابی هزینه-فایده بوده و نتایج آن به صورت شفاف منتشر شود تا زمینه یادگیری سیاستی و بازنگری مستمر فراهم گردد.

۶. **ایجاد زیست‌بوم و شبکه محلی منطقه‌ای نوآوری بخش عمومی:** این شبکه باید با شناسایی ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در حوزه نوآوری بخش عمومی و با مشارکت فعال حکمرانان محلی طراحی شود. مأموریت اصلی آن بومی‌سازی خط‌مشی‌های ملی نوآوری، ایجاد هماهنگی بین استان‌ها و توسعه اکوسیستم‌های نوآوری بخش عمومی منطقه‌ای خواهد بود و سازوکارهای آن باید مبتنی بر حکمرانی چند سطحی باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری و حمایت

این پژوهش با حمایت دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به انجام رسیده است.

ORCID

Heidar Najafi Rastaghi		https://orcid.org/0000-0001-5477-2389
Mohammad Mahdi Zolfagharzadeh		https://orcid.org/0000-0002-6803-4616
Ali Asghar Pourezzat		https://orcid.org/0000-0002-1875-3479

منابع

۱. رستمی، فاطمه، نجفی رستاقی، حیدر، درویشوند، عطیه (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی تجربیات جهانی نوآوری باز در بخش دولتی و ارائه راهکارهایی برای نظام مدیریت دولتی و حکمرانی ایران. *مطالعات مدیریت خدمات عمومی*، ۲(۴)، ۲۱۶-۱۸۱. doi: 10.22054/spsa.2025.83965.1055

۲. عبدالحسین زاده، محمد، عبدالحمید، مهدی (۱۴۰۱). شناسایی و دسته‌بندی ابزارها و سازوکارهای تحقق هم‌نوآوری اجتماعی در بخش عمومی. مدیریت نوآوری، ۱۱(۴)، ۱-۲۲.
3. Ackoff, R. L., & Addison, H. J. (2006). *Idealized design: How to dissolve tomorrow's crisis...today*. Wharton School Publishing.
4. Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 543-571.
5. Ansell, C., Sørensen, E., & Torfing, J. (2021). Public policy design: From tools to patches. *Policy & Politics*, 49(2), 211-230. <https://doi.org/10.1332/030557321X16123785800030>
6. Bason, C., & Schneider, A. (2021). Designing for public policy: Radical innovation in uncertain times. *Public Administration*.
7. Bloch, C. (2011). *Measuring public innovation in the Nordic countries: Final report*. Nordic Innovation Centre.
8. Bommert, B. (2010). Collaborative innovation in the public sector. *International Public Management Review*, 11(1), 15-33.
9. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
10. Brown, L., & Osborne, S. P. (2013). Risk and innovation: Towards a framework for risk governance in public services. *Public Management Review*, 15(2), 186-208.
11. Chesbrough, H. (2003). *Open innovation: The new imperative for creating and profiting from technology*. Harvard Business Press.
12. Christensen, C. M. (1997). *The innovator's dilemma: When new technologies cause great firms to fail*. Harvard Business Review Press.
13. Cinar, E., Trott, P., & Simms, C. (2019). A systematic review of barriers to public sector innovation and potential ways to overcome them. *European Journal of Innovation Management*, 22(3), 491-522.
14. De Vries, H., Bekkers, V., & Tummers, L. (2016). Innovation in the public sector: A systematic review and future research agenda. *Public Administration*, 94(1), 146-166.
15. Demircioglu, M. A., & Audretsch, D. B. (2019). The innovation gap in public sector: Evidence from Europe. *Public Policy and Administration*, 34(1), 3-24.
16. Dunleavy, P., & Margetts, H. (2015). Designing digital government for the twenty-first century. In J. L. Perry & R. K. Christensen (Eds.), *Handbook of public administration* (3rd ed., pp. 519-536). Jossey-Bass.

17. Hartley, J., Sorensen, E., & Torfing, J. (2013). Collaborative innovation: A viable alternative to market competition and organizational entrepreneurship. *Public Administration Review*, 73(6), 821-830.
18. Head, B. W. (2008). Three lenses of evidence-based policy. *Australian Journal of Public Administration*, 67(1), 1-11.
19. Hood, C. (1991). A public management for all seasons? *Public Administration*, 69(1), 3-19.
20. Janowski, T. (2015). Digital government evolution: From transformation to contextualization. *Government Information Quarterly*, 32(3), 221-236.
21. Lee, S. M., Hwang, T., & Choi, D. (2012). Open innovation in the public sector of leading countries. *Management Decision*, 50(1), 147-162.
22. Meijer, A. (2015). Public innovation and the performance of public services: A systematic review. *Public Management Review*, 17(9), 1333-1356.
23. Meijer, A., & Bolívar, M. P. R. (2016). Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance. *International Review of Administrative Sciences*, 82(2), 392-408.
24. Mergel, I. (2019). Digital service teams in government. *Government Information Quarterly*, 36(4), 101401.
25. Mergel, I., Gong, Y., & Bertot, J. (2018). Agile government: Systematic literature review and future research. *Government Information Quarterly*, 35(2), 291-298.
26. Moore, M. H. (2013). *Recognizing public value*. Harvard University Press.
27. Mulgan, G. (2006). The process of social innovation. *Innovations: Technology, Governance, Globalization*, 1(2), 145-162.
28. OECD. (2017). *Fostering innovation in the public sector*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/9789264270879-en>
29. OECD. (2019). *The innovation system of the public sector*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/9789264310665-en>
30. OECD (2020), "The public sector innovation lifecycle: A device to assist teams and organisations in developing a more sophisticated approach to public sector innovation", OECD Working Papers on Public Governance, No. 37, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/0d1bf7e7-en>.
31. Osborne, S. P., Radnor, Z., & Nasi, G. (2013). A new theory for public service management? Toward a (public) service-dominant approach. *The American Review of Public Administration*, 43(2), 135-158.
32. Perez, C. C., de Paz, J. V., & Hernandez, R. S. (2020). Public sector innovation ecosystems: The role of intermediaries. *Sustainability*, 12(15), 6050.

33. Rogers, E. M. (2003). *Diffusion of innovations* (5th ed.). Free Press.
34. Sørensen, E., & Torfing, J. (2011). Enhancing collaborative innovation in the public sector. *Administration & Society*, 43(8), 842–868.
35. Sørensen, E., & Torfing, J. (2022). *Collaborative innovation in the public sector*. Georgetown University Press.
36. Tönurist, P., Kattel, R., & Lember, V. (2017). Innovation labs in the public sector: What they are and what they do? *Public Management Review*, 19(10), 1455-1479.
37. Torfing, J. (2019). Collaborative innovation in the public sector: The argument. *Public Management Review*, 21(1), 1-11.
38. Torfing, J., & Triantafyllou, P. (2016). *Enhancing public innovation by transforming public governance*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781316105337>
39. Voorberg, W. H., Bekkers, V. J. J. M., & Tummers, L. G. (2015). A systematic review of co-creation and co-production: Embarking on the social innovation journey. *Public Management Review*, 17(9), 1333–1357.
40. Walker, R. M., Berry, F. S., & Avellaneda, C. N. (2019). Public sector innovation and networking: Evidence from local governments. *Public Administration*, 97(2), 317-332.

References [In Persian]

1. Abdolhosseinzadeh, M. and Abdolhamid, M. (2023). Identification and classification of social co-innovation tools and mechanisms in the public sector. *Innovation Management Journal*, 11(4), 1-22.
2. Rostami, F. , Najafi Rastaghi, H. and Darvishvand, A. (2024). A Comparative Study of Global Experiences of Open Innovation in the Public Sector and Offering Recommendations for the Iranian Public Management and Governance System. *Studies in Public Service Administration*, 2(4), 181-216. doi: 10.22054/spsa.2025.83965.1055

استناد به این مقاله: نجفی رستاقی، حیدر، ذوالفقارزاده، محمدمهدی و پورعزت، علی اصغر. (۱۴۰۳). شناسایی چالش‌ها و راهکارهای تحقق نوآوری بخش عمومی در ایران در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت، مطالعات مدیریت خدمات عمومی، ۲(۶)، ۶۳ – ۹۴.

doi: 10.22054/spsa.2025.89101.1077



Studies in Public Service Administration is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.